



اندیشکده فرهنگ و توسعه

یادداشت



همکاری‌های چندرشته‌ای بین فرهنگی دیجیتال در هنر:
بررسی مزایا، معایب و استراتژی‌های سازمانی

دسامبر ۲۰۲۵

لکساندرا تزانی‌دو





همکاری‌های دیجیتال میان فرهنگی و میان رشته‌ای (D2CM) در هنر

همکاری‌های دیجیتال میان فرهنگی و میان رشته‌ای (D2CM؛ Digital Cross-cultural Multidisciplinary) در حوزه هنر، در حال دگرگون ساختن شیوه همکاری هنری در عصر دیجیتال هستند. این پروژه‌ها با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، خالقانی از پیشینه‌های فرهنگی و رشته‌های تخصصی گوناگون را گرد هم می‌آورند و امکان همکاری فراتر از مرزهای جغرافیایی را فراهم می‌کنند.

تعریف همکاری‌های D2CM

تصویر ۱. مؤلفه‌های همکاری‌های D2CM

همکاری‌های D2CM پروژه‌های فرهنگی‌ای هستند که:

- خالقان و هنرمندانی از پیشینه‌های فرهنگی و رشته‌های تخصصی متفاوت را گرد هم می‌آورند.
- از ابزارها و فناوری‌های دیجیتال برای غلبه بر فاصله‌های فیزیکی بهره می‌گیرند.
- امکان همکاری هم‌زمان (Real-time) و ناهم‌زمان (Asynchronous) را میان افراد مستقر در قاره‌ها و مناطق زمانی مختلف فراهم می‌کنند.



با وجود ظرفیت‌ها و فرصت‌های چشمگیر، همکاری‌های D2CM با چالش‌های منحصر به فردی نیز روبه‌رو هستند؛ از جمله موانع ارتباطی، سوء برداشت‌های فرهنگی و مسائل لجستیکی. غلبه بر این موانع برای موفقیت و اثربخشی چنین پروژه‌هایی ضروری است.

این مقاله با بهره‌گیری از یک نمونه واقعی، یعنی پروژه «Çarşema Zîpa: Voices of Tradition and Inclusion» که در چارچوب برنامه VAHA اجرا شده است، به بررسی پویایی‌های همکاری‌های D2CM می‌پردازد. این ابتکار سه شریک متفاوت را گرد هم آورده است: یک هاب فرهنگی از ترکیه، متشکل از سه گروه هنری که با هدف حفظ فرهنگ کردی از طریق تئاتر با





یادداشت

یکدیگر همکاری کرده‌اند؛ یک گروه تئاتر فراگیر از آن که در راستای ترویج شمول در هنر فعالیت می‌کند؛ و یک جنبش نوآوری مردمی از جزیره لسبوس که از طریق هنر بازیافتی بر ادغام اجتماعی پناهندگان تمرکز دارد.

با بررسی نحوه سازمان‌دهی این پروژه، پیچیدگی‌های همکاری‌های D2CM، به‌ویژه چالش‌های ارتباطی تجربه‌شده و راهبردهای به‌کارگرفته‌شده برای غلبه بر آن‌ها، مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

چالش‌های ارتباطی

بر اساس فرهنگ لغت آکسفورد، «هنر، بیان یا به‌کارگیری مهارت و تخیل خلاق انسان است که به خلق آثاری می‌انجامد که عمدتاً به سبب زیبایی یا قدرت عاطفی‌شان مورد قدردانی قرار می‌گیرند.» از دیدگاه گوگن، «هنر یا سرقت ادبی است یا انقلاب» و به اعتقاد اندی وارهول، «هنر همان چیزی است که بتوان از آن جان سالم به در برد.»

با توجه به این تعاریف، در شرایطی که زبان مشترکی میان طرفین وجود ندارد، چه کسی مسئولیت ترجمه نه‌تنها واژه‌ها، بلکه قدرت عاطفی، روحیه انقلابی و جوهر ناملموس بیان هنری را بر عهده دارد؟

فقدان یک کانال ارتباطی مشترک

در آغاز همکاری، برای رفع شکاف زبانی از یک مترجم انسانی استفاده کردیم. در ادامه، هاب ترکیه فردی را به‌عنوان مدیر پروژه و مترجم اختصاص داد. تمرکز بر ترجمه زبان و شناسایی یک مسئله مورد علاقه مشترک، همراه با محدودیت زمانی برای تدوین پیشنهاد پروژه، سبب شد که تنها ایده اصلی مستندسازی شود و جنبه‌های اساسی پروژه، از جمله بودجه‌بندی و سازمان‌دهی، به مراحل بعد موکول گردد.

این وضعیت ما را به بن‌بستی کشاند که به اختلافی طولانی‌مدت در بستر تلگرام انجامید؛ اختلافی که سرانجام با مصالحه همه طرف‌ها خاتمه یافت، اما به‌طور قابل‌توجهی از انرژی خلاق اولیه پروژه کاست. علت اصلی این امر، احساس برخی از طرف‌ها مبنی بر نداشتن دسترسی به اطلاعات حیاتی پروژه بود.

در خلال این فرایند آشکار شد که مترجم در همکاری‌های D2CM صرفاً یک مفسر زبانی نیست؛ بلکه به میانجی فرهنگی، رابط هنری و گاه حتی به متولی ایده‌ها تبدیل می‌شود. نقش او فراتر از ترجمه واژه‌به‌واژه است و حوزه‌هایی همچون میانجی‌گری فرهنگی، انتقال بار عاطفی، تبیین اصطلاحات هنری، رفع سوءبرداشت‌های مفهومی و تفسیر ارتباطات غیرکلامی را نیز در بر می‌گیرد.

در پایان این مرحله، مهم‌ترین آموخته‌ها عبارت بودند از:

- ضرورت حضور میانجی‌های فرهنگی مستقلی که وابستگی مستقیم به هیچ‌یک از گروه‌های خلاق نداشته باشند و در تمام طول پروژه همراه آن باشند.
 - ضرورت آنکه عناصر اساسی پروژه، از جمله چشم‌انداز، چارچوب کلی، بودجه و فرایند اجرا، پیش از آغاز پروژه به‌صورت مکتوب تدوین شده و مورد توافق همه طرف‌ها قرار گیرد.
 - ضرورت شفافیت کامل درباره منابع مالی و سایر منابع موجود، در دسترس و آتی پروژه از سوی تمامی ذی‌نفعان.
- ادامه ترجمه شامل بخش‌های «در نبود یکی از شرکای پروژه»، «میانجی‌گری در یک آشفتگی سازنده» و نتیجه‌گیری در پیام بعدی ارائه می‌شود.

نبود یکی از شرکای پروژه:

در هر نوع همکاری، هرچند ناخوشایند، اما قابل انتظار و از نظر من پذیرفتنی است که به دلایل مختلف، یکی از اعضا در مقطعی غیبت داشته باشد. با این حال، این پرسش مطرح می‌شود که در همکاری‌های عمدتاً از راه دور، به‌ویژه آن دسته که در حوزه





صنایع خلاق قرار می‌گیرند و در آن‌ها، در اغلب موارد، مشارکت کیفی یک شریک نه قابل جایگزینی است و نه می‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، غیبت یکی از اعضای کلیدی زنجیره سازمان‌دهی پروژه چگونه باید مدیریت شود؟

در مورد پروژه ما، این مسئله در همان مراحل اولیه طراحی پروژه بروز کرد. از این‌رو، برای مدیریت این وضعیت حساس، سازوکاری موقت (ad-hoc) ایجاد کردیم. بر اساس این سازوکار، از شریک غایب خواسته شد به یکی دیگر از شرکا اختیار دهد که از طرف او سخن بگوید. همچنین، شریک مسئول پروژه از طریق پیام‌های مکتوب، شریک غایب را در جریان تمامی تحولات قرار می‌داد و توافقی نانوشته میان طرفین وجود داشت که بر اساس آن، عدم دریافت پاسخ از سوی شریک غایب به منزله موافقت وی تلقی می‌شد.

یکی از ویژگی‌های اصلی این مرحله، ضرورت انعطاف‌پذیری بود. با این حال، از منظر سازمانی، پیش‌بینی چنین موقعیت‌هایی از پیش می‌تواند سودمند باشد. از این‌رو، قراردادهای همکاری باید شامل موارد زیر باشند:

معرفی دست‌کم یک فرد مرجع دیگر از سوی هر سازمان که از جزئیات پروژه آگاهی داشته باشد؛

پیش‌بینی سازوکاری برای انتقال غیرمنتظره مسئولیت‌ها به یکی دیگر از ذی‌نفعان؛ از جمله تعیین اینکه این ذی‌نفع چه کسی خواهد بود و در صورت امکان برقراری ارتباط، روش ترجیحی ارتباط با وی چگونه است.

میانجیگری در یک آشفتگی سازنده:

با وجود علاقه و اشتیاقی که در جریان گفت‌وگوها برای شناخت فرهنگ‌ها و عادات‌های گوناگون شکل گرفته بود، مدیریت جلسات سازمانی چندزبانه همواره برای تمامی طرف‌ها تجربه‌ای همراه با دشواری و ناکامی بود. برای افرادی که به همه زبان‌های مورد استفاده تسلط داشتند، این وضعیت به معنای شنیدن مکرر یک مطلب واحد بود و برای سایر افراد، به معنای کنار گذاشته شدن مکرر از جریان بحث. افزون بر این، ترجمه هم‌زمان، زمان مورد نیاز برای انجام گفت‌وگوها را به‌طور چشمگیری افزایش می‌داد.

اگرچه فناوری‌های ارتباطات دیجیتال هنوز به سطح مطلوبی از عملکرد در زمینه زیرنویس و ترجمه هم‌زمان دست نیافته‌اند، اما می‌توانند در تسهیل این نوع ارتباطات نقش مؤثری ایفا کنند. با این حال، چه در ارتباطات هم‌زمان و چه در ارتباطات ناهم‌زمان، تمامی مشارکت‌کنندگان باید آگاه باشند که ترجمه خودکار ممکن است به سوءبرداشت‌هایی منجر شود. تیم چندفرهنگی ما برای مدیریت این «آشفتگی سازنده»، در مواردی که بحث‌ها شدت می‌گرفت، اظهارات خود را با توضیح درباره احساس یا نیت موردنظر همراه می‌کرد تا احتمال سوءبرداشت کاهش یابد.

با تمرکز بر چالش‌های همکاری‌های دیجیتال میان‌فرهنگی و میان‌رشته‌ای (D2CM)، به‌ویژه چالش‌های مرتبط با ارتباطات، مهم‌ترین یافته‌های این مطالعه بر چند جنبه اساسی تأکید دارند، از جمله:

- نقش میانجی‌های فرهنگی؛
- برنامه‌ریزی جامع پروژه؛
- شفافیت در منابع و تأمین مالی؛
- تدوین برنامه‌های اقتضایی (Contingency Planning)؛
- طراحی و به‌کارگیری راهبردهای مؤثر برای ارتباطات چندزبانه.

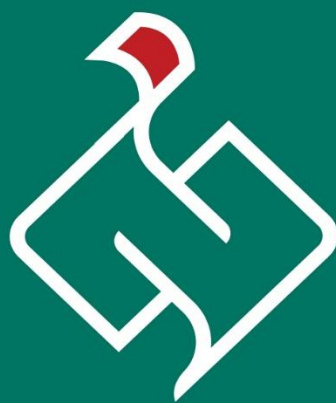




نتیجه‌گیری

با ادامه تکامل همکاری‌های دیجیتال میان‌فرهنگی و میان‌رشته‌ای (D2CM)، آشکار شده است که این نوع همکاری‌ها ظرفیت چشمگیری برای نوآوری هنری و تبادل فرهنگی در اختیار هنرمندان و سازمان‌ها قرار می‌دهند. اجرای راهنماها و بهره‌گیری از بینش‌های مطرح‌شده در این مقاله می‌تواند به هنرمندان و سازمان‌ها کمک کند تا همکاری‌های D2CM را به شکلی منسجم‌تر، فراگیرتر و اثرگذارتر سازمان‌دهی کنند و بر چالش‌های منحصربه‌فردی که در این مشارکت‌های پیچیده وجود دارد، غلبه یابند.





انديشكده فرهنگ و توسعه

 WWW.CDSTT.IR

 [CDSTT.IR](https://www.instagram.com/cdstt.ir)

 [CDSTT](https://twitter.com/cdstt)